



۱۰۰ شهید زن

رئیس سازمان اورژانس کشور اعلام کرد در جریان جنگ ۱۲ روزه بیش از ۳۰۰ نفر زن آسیب دیدند که ۱۰۰ نفر از آنها شهید شدند که این افراد همگی غیرنظامی بودند و ۲۰ نفر از کادر درمان هم مجروح شدند. به گزارش ایسنا، جعفر میعافر درباره تعداد مجروحان جنگ ۱۲ روزه گفت: «با پای کار آمدن تمام کادر درمان در کشور، در این ۱۲ روز توانستیم حدود ۶ هزار مصدوم را به بیمارستان‌ها منتقل کنیم و تا به امروز کمتر از ۱۰۰ نفر در بیمارستان‌ها بستری هستند و بقیه همگی مرخص شده‌اند. همچنین هزار و ۱۰۰ عمل جراحی در بیمارستان‌ها انجام شده است.» میعافر درباره آسیب‌هایی که ناوگان اورژانس در این جنگ متحمل شد نیز گفت: «۲۰۰ نفر از کادر درمان شامل ۱۶ تکنیسین فوریت‌های پزشکی اورژانس آسیب دیده و زخمی شدند، بعضی از این افراد توسط موج انفجار آسیب دیدند، برخی ترکش خوردند، برخی پرت شدند و دچار شکستگی شدند که در بیمارستان‌ها بستری شدند.»



اعتراض دستیاران پزشکی

جمعی از دستیاران رشته‌های مختلف پزشکی با راه‌اندازی پویشی، نسبت به ناچیز بودن حقوق خود در قبال هزینه‌های بالای زندگی گلایه‌مند بوده‌اند و خواستار رسیدگی سریع‌تر وزارت بهداشت به این موضوع شدند.
شاهرخ خوش‌سیرت، سرپرست معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی در گفت‌وگو با ایلنا در واکنش به این پویش به‌عدم تناسب کار با دریافتی دستیاران پزشکی اشاره کرد و گفت: دریافتی فعلی دستیاران پزشکی به‌هیچ‌وجه متناسب با میزان مسئولیت، بار کاری، فشار روانی و خطرات شغلی آنان نیست، سرپرست معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی در واکنش به اینکه یکی از وعده‌های رئیس‌جمهوری ارتقاء جایگاه پزشکان، پرستاران، داروسازان و همه صنوف پزشکی بود، به شرایط کنونی صنوف پزشکی اشاره کرد و گفت: «با احترام به تلاش‌های دولت محترم، باید با صراحت اعلام کنیم که وضعیت کنونی جامعه پزشکی، به‌ویژه دستیاران، فاصله‌ای جدی با وعده‌های اعلام‌شده دارد.»
به گفته او ارتقای جایگاه صنوف پزشکی، صرفاً در شعار محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند تصمیمات عملی، تأمین منابع مالی و تغییر نگرش مدیریتی است و انتظار می‌رود دولت به‌ویژه در بودجه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان سلامت، این وعده‌ها را به اقداماتی ملموس تبدیل کند.



هشدار فرمانداری

فرماندار تهران اعلام کرد وزارت نیرو و شرکت آب و فاضلاب موظف شده‌اند که مصرف و برداشت از چاه‌های موجود را تحت کنترل دقیق قرار دهند و در مناطقی که افت سطح آب حاد است محدودیت‌های جدی اعمال کنند.
به گزارش ایسنا، حسین خوش‌اقبال گفت: «فرمانداری تهران از حفر چاه‌های غیرمجاز به شدت جلوگیری می‌کند و با وزارت نیرو در سطح ملی و استانی رایزنی‌های مستمر و جدی دارد تا سیاست‌های محدودکننده و کنترلی به بهترین شکل اجرا شود. همچنین با اجرای پروژه‌های جایگزین تأمین آب و ارتقای شبکه آبرسانی، تلاش داریم تا فشار برداشت از منابع زیرزمینی را به حداقل برسانیم.»



▼ وصیت‌نامه‌ام را نوشته‌ام

در این شرایط هرکسی مانده با راهکارها و توانایی‌های شخصی خودش، علی در حال انجام کارهای مهاجرت است و به این فکر می‌کند که اگر چند ماه بعد که ایران نیست اتفاقی این چنینی بیفتد چه بر سرش می‌آید. زهرا هنوز شب‌ها با صدهای بلند از خواب می‌پرد و منتظر جنگ است و حسام هنوز مضطرب و مطمئن است که جنگ باز هم پیش می‌آید. با خنده می‌گوید: «هیچی دیگه، وصیت‌نامه‌ام را نوشته‌ام.»

بازگشت به امنیت روانی کمرنگ شده، بر عهده دولت است که ندیدن‌شان به باور جلالی‌ندوشن می‌تواند به مشکلاتی مانندگار برسند: «اساساً یک بخشی از امنیت وقتی کودک هستیم وابسته به والدین و اراده آن‌هاست و وقتی که از سطح اجتماعی می‌گوییم، به دولت و حاکمیت و به نهادهایی که به هر حال باید پشتیبان باشند بستگی دارد. وقتی ظرفیت‌های لازم دیده نشوند، اتفاقی ناخوشایند تبدیل به مشکلاتی مانندگار و عمیق می‌شوند. حالا از سوی دیگر، شیوه حکمرانی هم شیوه فعال و جدیدی نیست. ابتکار عمل و طرحی نو دیده نمی‌شود، نه در مواجهه با پیدا کردن پاشنه آشیل و نقطه آسیب‌پذیری و نه برای بنا کردن اعتماد با شهروندان و بازسازی اجتماعی. این‌ها همه نشان می‌دهند که گویا نه فضا امن شده است و نه عزمی جدی برای بازسازی هست.» این بازسازی و سوگواری الزامی هم ویژگی‌هایی دارد: «سوگواری فقط یک آیین نیست، سوگواری در واقع یک وضعیت ذهنی و وضعیت پذیرش فقدان است، یعنی چیزی از دست رفته. حالا در این باره، چیزی که از دست رفته، افراد، شهروندان، دانشمندان یا فرماندهان و افراد نظامی است. سوگواری این امکان را به ما می‌دهد که با پذیرش فقدان جا را برای شروع زندگی از یک نقطه دیگر باز کنیم و در محاسبات و برآوردها و در تشخیص وضعیت‌ها، تشخیص ضعف‌ها و ظرفیت‌های دشمن، سیاست دیگری تدارک دیده شود.» اما در نهایت او فکر می‌کند تاکنون اینطور عمل نشده است: «متأسفانه شیوه و روشی که همواره ما با آن رویه‌ور هستیم الگوی تکراری ناکارآمد است که به عنوان مثال تاکید می‌شود که چرخ جامعه خواهد چرخید و افراد جایگزین خواهند شد. وقتی این اتفاق می‌افتد، آدم‌ها عدد می‌شوند، یعنی مثل حالا عدد ۹۰۰ به بیش از هزار نفر برای شهدای جنگ تبدیل می‌شود و انگار فقط به اعداد اضافه می‌شود، یعنی به عبارتی آدم‌ها استقلال خود را از دست می‌دهند و خیلی ارزش‌ها و خیلی خیالات و تصورات از دست می‌رود.»

که آرام می‌داد.» بحران، برای همه یکسان نیست و می‌تواند تشدیدکننده سختی‌های دیگر باشد. او همه اینها را خیلی راحت و گاهی با خنده تعریف می‌کند و یک‌دفعه می‌گوید یک نقطه وسط ریش‌هایش ریخته: «همیشه وقتی زندگی سخت می‌شود می‌ریزد و بعد دوباره برمی‌گردد.» می‌گوید در ظاهرت به نظر نمی‌آید سخت بوده باشد. می‌گوید، درونی است، همه سختی‌های جنگ یک طرف، اما با این جنگ رنج‌هایی که فراموش کرده باشی هم باز به یاد می‌آوری.

▼ کدام آتش‌بس، کدام شرایط عادی

در روایت‌ها گرچه جنگ تمام شد اما خبر اعلام آتش‌بس، برای بازگشت به زندگی عادی چندان کافی به نظر نمی‌رسد، فارغ از نگرانی برای جنگ، شوک آنچه تجربه شده ادامه دارد. جلالی‌ندوشن، روانپزشک این واکنش‌ها در این شرایط را عادی می‌بیند و حتی انتظار تبدیل شدن آن به مشکلی دیگر را دارد: «واکنش غیرعادی در شرایط غیرعادی، عادی است. خیلی از این واکنش‌ها و روایت‌ها خیلی دور از انتظار نیست، جنگ ۱۲ روز طول کشید اما ابعاد سهمگینی داشت، به‌ویژه در تهران. اما مسئله این است که این وضعیت می‌تواند پای‌جا بماند، شدت پیدا کند، حتی تغییر چهره بدهد، در پشت انگیزه‌های ما بنشیند و ما را از فردی که زنده و امیدوار است و در جای خودش جنگنده است، به فردی ترس‌خورده، محافظه‌کار، ناامید و دل‌مرده تبدیل کند.»

بعد از رنج جمعی، به نظر می‌رسد ما به یک سوگواری جمعی هم نیاز داریم و او در این باره می‌گوید: «در مقیاس اجتماعی زمینه‌هایی برای ترمیم لازم است. پس از جنگ فقط ساختمان‌ها نیستند که نیاز به بازسازی دارند، جامعه هم نیاز به این بازسازی دارد. در واقع میل به زندگی، میل به سازمان‌یابی و امید داشتن و دنبال کردن فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی باید بتوانند از او حیا و بازسازی شوند. مثل شرایط فردی که مورد تجاوز یا اخاذی و خشونت قرار گرفته، اولین مورد ایمنی است، یعنی اطمینان از اینکه دوباره آسیب نمی‌بیند و در معرض محرک‌های جدی که یادآور آن باشد قرار نمی‌گیرد. آنچه ما در سطح جمعی نیاز داریم این است که حالا اگر آتش‌بس اتفاق افتاده یا به عبارتی اگر بمبی نیست، نباید اختلال در ارتباط‌های شهری و موقعیت‌یابی با سیاست خارجی همچنان همان شیوه حل مسئله و شیوه نگاه به بحران باشد. وقتی جامعه می‌بیند که اینترنت اختلال دارد و این صفت و شرایط تمام بحران‌ها در ایران است، بنابراین ذهن و بدن همچنان پیغام می‌گیرد که چیزی هنوز عادی نشده است، پس وضعیت امن نیست.»



امیرحسین جلالی‌ندوشن: روانپزشک: جنگ ۱۲ روز طول کشید اما ابعاد سهمگینی داشت، به‌ویژه در تهران. اما مسئله این است که این وضعیت می‌تواند پای‌جا بماند، شدت پیدا کند، حتی تغییر چهره بدهد، در پشت انگیزه‌های ما بنشیند و ما را از فردی که زنده و امیدوار است و در جای خودش جنگنده است، به فردی ترس‌خورده، محافظه‌کار، ناامید و دل‌مرده تبدیل کند



شرکت ملی نفت ایران

شرکت پالایشه‌های نفتی ایران

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران

(مناقصه شماره ۱۴۰۴/۰۳/AA به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۹۱۴۴۵۰۰۰۰۵۳)

موضوع: **خرید تجهیزات تست عملکرد فنی خودروهای سبک وسنگین**

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع فوق را با در نظر گرفتن شرایط کلی مشروحه زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران واجد شرایط واگذار نماید:

الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.
خاطر نشان می‌سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت، امکان ثبت نام برخط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه‌گران فراهم می‌باشد.
شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۴۴۶۰۰۰۰۰۰۰۰ می‌باشد. اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان‌ها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRAN.IR) بخش “ثبت نام/پروفرایل تأمین کننده/مناقصه‌گر” موجود است.

ب) شرح کالا: تجهیزات تست عملکرد فنی خودروهای سبک وسنگین

ج) محل و مدت زمان تأمین کالا: زمان تأمین کالا (از آغاز قرارداد تا تحویل کالا) شش ماه و محل تحویل کالا(پوشهر) (اسکله فلات قاره) می‌باشد.

د) برآورد مناقصه گزار: ۳۹۳٫۶۱۶٫۰۰۰ ریال (چهل و شش میلیارد و سیصد و نود و سه میلیون و ششصد و شانزده هزارریال)

هـ) معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:
بالحاظ آخرین ویرایش ابلاغی طی تصویب نامه‌شماره ۹۳۸۷۲/ت/۵۷۸۶۰/م/۲۴ مورخ ۱۴۰۰/۸/۴ هیأت محترم وزیران هیأت محترم وزیران به شرح جدول ذیل می‌باشد:
کلیه مناقصه‌گران مکلفند آگهی حاضر و جدول مرتبط با ارزیابی ساده که در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و سایت شرکت پایانه‌های نفتی ایران به نشانی WWW.IOTCO.IR موجود می‌باشد را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) دریافت و ضمن تکمیل، مهر و امضای آن‌ها (با در نظر گرفتن توضیحات بند آگهی حاضر) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد و مدارک ذکر شده در این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تقدیم نمایند.

۱- توان مالی: ۳۰۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۴ قانون برگزاری مناقصات)	۴- استانداردهای تولید: ۱۵ امتیاز
۲- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۱۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۴ قانون برگزاری مناقصات)	۵- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۱۵ امتیاز
۳- تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶- حسن سابقه: ۱۵ امتیاز

تذکره ۱: حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می‌باشد.

تذکره ۲: به منظور بررسی معیار تجربه جهت معادل سازی مبالغ قراردادی، با استفاده از نرخ تورم اعلامی از مراجع قانونی، مبالغ قراردادی به روزرسانی گردیده و ملاک سنجش قرار خواهد گرفت.

و) شرایط مناقصه‌گران متقاضی:

۱- داشتن تجربه در انجام خدمات مورد نیاز، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی انجام کار مطابق با استانداردهای رایج صنعت نفت.

۲- توانایی ارایه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۸۰۰/۰۰۰/۳۱۹/۲ ریال (دو میلیارد و سیصد و هشتاد هزار و هشتصد ریال) حسب آیین‌نامه شماره ۱۳۳۴۰۲/ت/۵۵۶۵۹-م مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۹۴ هیأت محترم وزیران جهت تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه. در ضمن تضمین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آیین‌نامه مذکور ارایه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد، معذور بوده و هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. همچنین از هر صورت وضعیت مناقصه‌گر برنده، ده درصد تحت عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می‌گردد.

۳- داشتن سابقه کار مفید و مرتبط با خدمات مورد نظر

۴- داشتن نیروهای متخصص در حوزه‌های فنی، اجرایی، برنامه ریزی، اداری، مدیریتی و همچنین تجهیزات مناسب مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت.

۵- دارا بودن شخصیت حقوقی

۶- ارایه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی

۷- ارایه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء

۸) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارایه پیشنهاد به مدت ۹۰ روز می‌باشد.

۹) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:

۱- با عنایت به ابلاغیه شماره ۱۴۰۳۵/۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳۹۹ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید مؤکد بر الزام یکبارگیری امضای الکترونیکی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهرگرم)، کلیه مناقصه‌گران موظف می‌باشند تمامی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) را با امضاء الکترونیکی به همراه کپی ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، در موعد مقرر در اسناد مناقصه، از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند. در غیر اینصورت مناقصه‌گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش‌گفته (به جز اصل ضمانتنامه) معذور خواهد بود.

۲- کلیه مناقصه‌گران واجد شرایط می‌توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جدول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و حداکثر ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با رعایت مفاد بند فوق) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهی‌نامه‌های ذکر شده در آگهی، نسبت به تغذیه اسناد پیش‌گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند.

همچنین مناقصه‌گران می‌توانند جهت رؤیت آگهی به سایت‌های WWW.IOTCO.IR WWW.MPORG.IR HTTP://IETS.SHANA.IR مراجعه نمایند.

تذکر: مناقصه‌گزار در قبول یا رد مدارک مناقصه‌گران در تمام مراحل مطابق با قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مختار خواهد بود

شناسه آگهی: ۱۹۹۵۰۰

حسام هم در نزدیکی خانه‌اش چند نفر از آدم‌های سوگووار و خانه‌های ویران یا غیرقابل سکونت را دیده است و حتی جملاتش با «من» شروع نمی‌شود، دائم از رنج بقیه می‌گوید که یا خانه‌شان خراب شده یا خانواده‌شان را از دست داده‌اند: «اتفاقی که در عمل افتاد این بود که کسانی که از منابع مالی و امکانات بهتر بر خوردار بودند شهر را ترک کردند و رفتند به مکان‌های امن‌تر و افرادی که جایی را نداشتند، ماندند و چاره‌ای نداشتند. دولت هم اینجا هیچ بُعد اجتماعی و حمایتی نداشت.» او مستقیم افرادی را دیده که خانه‌شان تخریب شده یا کسی را در انفجار از دست داده‌اند: «شما در خانه نشستید، مشغول صرف صبحانه هستید و ناگهان خانه‌تان بر سر شما خراب می‌شود. من فکر می‌کنم این لحظه‌ای بود که شهر به یک جنگلی بدل شد که شما در آن یک موجود ضعیف هستید و هر لحظه ممکن است دریده شوی، نه خبری از آذیر بود، نه پناهگاه. خانه‌ها از دست رفته و این افراد سرمایه‌ای ندارند و برخی حتی مدارک هویتی‌شان را از دست داده‌اند.»

▼ شاید این جنگ تازه نیست

گرچه سختی‌های بسیاری در این دوران تازه بودند و حتی گاهی عجیب و شوک‌آور، اما در روایت‌ها نگاه افراد به گذشته هم پررنگ است. فکر می‌کنند به هر حال ما به نوعی در جنگ بوده‌ایم. علی فکر می‌کند بعضی از این رنج‌ها چندان هم جدید نبوده‌اند: «با دوستانم چند روز قبل از شروع جنگ می‌گفتیم که ما به هر حال در جنگ بوده‌ایم. مگر تو دیگر به چه چیزی می‌خواهی بگویی جنگ؟ چقدر همه در فضای نگرانی و اضطراب بودیم و هر روز اخبار را چک می‌کردیم؟ اگر در جنگ به شکل جنگی تجربه کردیم، قبلش برای چک کردن دائم نرخ دلار و طلا و ارز بود. می‌دانی، انگار صرفاً فقط موضوع عوض شد و گرنه خیلی از این شرایط را ما قبلیش هم داشتیم، کمی آسش عوض شد. خیلی چیزها شبیه وضعیت جنگ بود از قبل. در واقع مهم است که اتفاق را به یک ماه اخیر تقلیل ندهیم، شاید فقط در چند وقت اخیر بیشتر به این رفتارها آگاه شدیم، خیلی‌هایش را از قبل داشتیم.»

جلالی‌ندوشن هم این جنگ را عینی شدن ترس‌ها و نگرانی‌های قبلی ما می‌داند: «این بار واقعیت همانطور که برای سیاست‌گذاران جدی بود، برای مردم هم بسیار جدی وارد شد. وقتی جنگ با شدت بر یک شهر وارد می‌شود و همه چیز جلوی چشم ما آدم‌ها تکه تکه بشوند، فرماندهان و دانشمندان و افرادی که در اخبار دیدیم و شنیدیم از دست می‌روند و همینطور ساختمان‌ها فرو می‌ریزند، صدای واقعیت جنگ و واقعیت تهدید مکرر با به شکل صدای بمب، انفجار، جنگنده، پهپاد و پدافند شنیده می‌شود. این تهدید باعث می‌شود که نه با قشر مغز (مسئول پردازش اطلاعات) بلکه با قشر زیرین مغز (مسئول فرآیندهای نا آگاه و خودکار) وارد حالت جنگ و گریز شویم و به دنبال بقا برویم و به عبارتی فکر کنیم که الان باید اینجا را ترک کرد. این انکارهای سالیان با این واقعیت شکست و وقتی شکست انگار از یک خواب یا از کابوس طولانی بیدار شدند و حالا تمام رنج و ناامنی که در سال‌های گذشته ذره ذره در موقعیت‌های دیگر تجربه کرده بودند را یکجا پیش روی خود در عالم واقعیت تجربه می‌کنند.» او ادامه می‌دهد: «من خیلی از آدم‌هایی که فقط یکی دو روز در تهران بودند می‌شنوم که «جنگ ما را تکه‌پاره کرد»، این کاری است که جنگ می‌کند. می‌شد احساساتی که آن روزها در شبکه‌های اجتماعی در گفت‌وگوهای روزمره آدم‌ها روایت می‌شد را دید؛ این احساسات معتبر بودند اما نه از این جهت که واقعیت یا الزاماً وجود داشتند، بلکه از جهت زنده شدن کابوس‌هایی که ما این سال‌ها می‌دیدیم اما ناچار بودیم انکارشان کنیم. احساس می‌کردیم نه عزمی در حکمرانی برای تغییر مسیر و ریل هست و نه خود ما به دست خودمان می‌توانیم کاری را پیش ببریم. این هم یکی از دلایل وحدت جامعه بود، انگار همه متوجه شدند که ما در یک کشتی هستیم و تهدید هم جدی است و با فراقکنی، انکار، تهدید یا ترس و انواع و اقسام این شیوه‌ها دیگر نمی‌شود پیش رفت.»

▼ زندگی پس از آن روزها

این روزها برای خیلی از افراد، فارغ از سن و تجربیات‌شان، بار اول بود که تجربه می‌شد و حالا شرایط برایشان با وجود تمام شدن جنگ و شوک‌هایش، مثل قبل نیست. حسام، با دل‌بستگی به محله‌ای که سال‌های سال خودش و خانواده‌اش در آن زیسته، شوک شرایطی که هرگز ندیده بوده را اینطور توصیف می‌کند: «از روز یکشنبه بعد از انفجار دوم و سوم محله به شدت خالی شد، همه در شوک بودند و می‌پریشانند که اصلاً ما داریم کجا زندگی می‌کنیم. ما در جوار ساختمان‌هایی هستیم که نمی‌دانیم چه اتفاقاتی در آن می‌افتاد. البته هر چه بود همان سه روز اول بود و در ۹ روز بعدی، انفجاری در خود نارمک رخ نداد. اما همان سه روز کافی بود، خیلی‌ها رفتند و یک خلوتی رع‌آوری ایجاد شد، خیلی از سوپرمارکت‌ها و نانوایی‌ها و داروخانه‌ها هم تعطیل شد. یعنی در میدان هفت حوض که پررفت‌وآمدترین منطقه در نارمک است، دیگر رفت و آمدی نمی‌دید. در تمام محله چهارراه به چهارراه و حتی میدان به میدان با گشت روبه‌رو بودی؛ گشت‌هایی که هیچ وقت به این اندازه ندیده بودیم.»

علی هم بعد از جنگ برای دو هفته فقط نقاشی می‌کشید، می‌گفت نمی‌تواند متوقف شود، نمی‌تواند کار دیگری کند، چندین و چند نقاشی در روز. اما بالاخره آن‌ها را متوقف کرد: «برای کشیدن‌شان مجبور به یادآوری رنج‌های گذشته بودم